

"بايكتا پرستی به دين روى آور."

دين داری درانسان، ذاتیست. تاریخ به ما می گوید: هیچ مردمی از مردمان زمین نیست مگر این که دين و روشی برای پرستش داشته باشد.

آثار قدیمی که انسان آن هارا کشف کرد و تمدن هایی که از بین کتیبه ها، کنده کاری ها (نگاره ها)، نقاشی ها و پیکره ها (تندیس ها) شناخت، تأکید بر توجه انسان به دين دارد و دلالت دارد که آن در وجودش ذاتیست؛ اما عبادت ها و مراسم خرافه بودند؛ مانند چند گانگی خدایان و پیشکش کردن قربانی ها به آن ها برای به دست آوردن خوشنودیشان و دوری از گزندشان. به مرور زمان این خرافات در دين های مردم زیاد شد. اما خداوند که پاک و بلندمرتبه است مردم رابه این حال رها نکرد؛ (او) مسلماً در کتاب شریفش فرموده است (گفته است): "آیا انسان گمان می کند که بیهوده و پوچ رها می شود؟" به همین خاطر پیامبران رابه سوى آن ها فرستاد تا راه راست و دين حق را روشن سازند.

قرآن کریم در مورد سرگذشت (روش و کردار) پیامبران (ع) و مبارزه ی آن ها با گروه های کافرشان باما سخن گفته است . به عنوان مثال حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را باید ذکر (یاد) کنیم که تلاش کرد تا قومش را از پرستش بت ها نجات دهد. در یکی از عیدها وقتی قومش از شهرشان خارج شدند، حضرت ابراهیم علیه السلام تنها ماند، پس تبری برداشت و به جز بت بزرگ تمام بت ها رادر عبادتگاه شکست، سپس تبر را بردوشش (یعنی دوش بت بزرگ) آویزان کرد و عبادتگاه را ترک کرد . وقتی که مردم برگشتند، بت هایشان را شکسته (شکسته شده) دیدند و گمان کردند که حضرت ابراهیم (ع) همان فرد انجام دهنده است، پس اورا برای محاکمه حاضر کردند و از او پرسیدند: "ای ابراهیم، آیا تو این رابا خدایانمان انجام دادی؟" به آن ها پاسخ داد : چرا از من سؤال می کنید؟ از بت بزرگ پرسید .

مردم شروع به پیچ بایکدیگر کردند (مردم شروع کردند که باهم پیچ کنند): "قطعاً بت سخن نمی گوید؛ ابراهیم فقط قصد دارد که بت هایمان رامسخره کند (قصد مسخره کردن بت های ما دارد)." و این جا "گفتند اورا بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید." پس او را در آتش انداختند و خدا اورا از آن (آتش) نجات داد .

ص. ۴ : نکات واژه نامه

-آلِهَة : خدایان، جمع إله

-أَحْضَرَ : آورد، حاضر کرد، حروف اصلی: ح ض ر، ثلاثی مزید (باب إفعال): أَحْضَرَ يُحْضِرُ أَحْضَرٌ إِحْضَارٌ

-الاستِهْزَاءُ: السَّخْرِيَّةُ، التَّمَسُّخُرُ

-الأصْنَامُ: بت ها، جمع صَنَمٌ

-أَقِمَّ : برپادار، حروف اصلی: ق و م، فعل امر از باب إفعال: أَقَامَ يُقِيمُ أَقِمْ إِقَامَةً

-أَقِمَّ وَجْهَكَ: روى بياور.

-بَدَأَ: شروع کرد.

-تَهَامَسَ: پیچ پیچ کرد، آهسته سخن گفت = هَمَسٌ ≠ صَرَخَ، صَاحَ، حروف اصلی: ه م س، ثلاثی مزید (باب تفاعل):

تَهَامَسَ يَتَهَامَسُ تَهَامَسُ تَهَامَسُ

*بَدَأَ+فعل مضارع: شروع کرد که + مضارع التزامی بَدَأَ يَكْتُبُ: شروع کرد که بنویسد. بَدَأَتْ فَاطِمَةُ تُسَاعِدُ أُمَّهَا. فاطمه شروع کرد که به مادرش کمک کند. بَدَؤُوا يَتَهَامَسُونَ: شروع کردند که پیچ پیچ کنند (شروع به پیچ کردن).

-التَّجَنَّبَ: دوری کردن، پرهیز کردن، حروف اصلی: ج ن ب، مصدر باب تَفَعَّلَ: تَجَنَّبَ يَتَجَنَّبُ تَجَنَّبَ تَجَنَّبَ

-حَرَّقَ: سوزاند، آتش زد، حروف اصلی: ح ر ق، ثلاثی مزید (باب تفعیل): حَرَّقَ يُحَرِّقُ حَرَّقَ حَرَّقَ تَحْرِيقٌ

-احْتَرَقَ: سوخت، آتش گرفت، حروف اصلی: ح ر ق، ثلاثی مزید (باب افتعال): احْتَرَقَ يَحْتَرِقُ احْتَرَقَ احْتَرَقَ

-الْحَنِيفَ: یکتاپرست = المُوَحَّدُ ≠ المُشْرِكُ

-السَّدى: بیهوده و پوچ = عَبَثٌ

-السَّیرة: روش و کردار، سرگذشت. جمع: سَیر

-الشُّعائر: مراسم، مفرد: شَعيرة

-صَارَعَ: مبارزه کرد=نَارَعَ. حروف اصلی: ص ر ع، ماضی باب مفاعلة:

صَارَعَ يُصَارِعُ صَارِعٌ مُصَارَعَةٌ و صِرَاعٌ (دومصدر دارد).

-الصَّرَاعَ: کشمکش، مبارزه = النَّزاع ≠ السَّلْم

-عَلَّقَ: آویخت، آویزان کرد. حروف اصلی: ع ل ق، ثلاثی مزید (باب تفعیل): عَلَّقَ يُعَلِّقُ عَلَّقَ عَلَّقَ تَعْلِيقٌ

-الفَّاسَ: تبر. جمع: فُؤوس

-القَرابین: قربانی ها. جمع مکسر قُربان

-الکِتِفَ و الکتَفَ: شانه، دوش. جمع: الأکتاف

-کَسَرَ: شکست = کَسَرَ. کَسَرَ ماضی باب تفعیل است: کَسَرَ يُكْسِرُ کَسَرَ تَكْسِيرٌ

-النَّقوشَ: کنده کاری ها، نگاره ها. مفرد: النَّقش

ص. ٤ : درك مطلب :

مطابق با متن درس درست و نادرست را مشخص کن:

١. هدف ازتقدیم قربانی ها به خدایان ، به دست آوردن خوشنودیشان و پرهیز از بدی و شرشان بود. صحیح

۲. حضرت ابراهیم(ع) تبراً بر شانه ی (دوش) کوچک ترین بت ها آویزان کرد. غیر صحیح

۳. بعضی از مردم دینی یا روشی برای پرستش نداشتند. غیر صحیح

۴. آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید دارند. صحیح

۵. قطعاً دین داری در انسان ذاتی است. صحیح

۶. خداوند انسان را بیهوده و پوچ رها نمی کند. صحیح

ص. ۱۵ : التمرین الأول:

کدام کلمه از کلمه های واژه نامه ی درس با توضیحات زیر تناسب دارد(هماهنگ است)؟

۱. وسیله ای دارای دسته ای از چوب و دندانه ای پهن از آهن که با آن قطع می شود. : قَاس

۲. پیکره ای از سنگ یا چوب یا آهن که غیر از خدا پرستیده می شود. : صَنَم

۳. عضوی از اعضای بدن (یکی از اعضای بدن) که بالای تنه قرار دارد. : كَتِف

۴. ترک کننده ی باطل و گرونده به دین حق : حَنِيف

۵. قطعاً آن ها شروع کردند که با سخنی پنهانی سخن بگویند. : بَدَّوْا يَتَهَامَسُوْنَ

ص. ۱ : نکات متن

-أقم: فعل امر و فاعل آن ضمیر مستتر أنت، وجه: مفعول، ك: مضاف إليه، للدین: جار و مجرور، حنیفاً: قید حالت

ص. ۲:

-سطر ۳: لا: لای نفی جنس، شعب: اسم لای نفی جنس، خبر محذوف

-سطر ۳: کان به دین .. جمله ی اسمیه، کان: از افعال ناقصه، له: جار و مجرور و خبر مقدم برای کان، دین: اسم مؤخر کان، و:

حرف عطف، طریقه: معطوف به دین، للعبادة: جار و مجرور

-سطر ۷: از دادت: فعل، هذه: فاعل

-ب ق ی ه د ر ک ل اس !

والسلام

حقیقی